

میدون و سوفیا

زیرآبی رفتن مسئولان وروآبی رفتن جوانان



پوریا عالمی

● سوفیا! عشقم! این یک اعتراف است که من عاشق مسئولان کشور هستم! آنها که ۲۴ ساعت همین‌طوری سرپا ایستاده‌اند تا آب توی دل مردم تکان نخورد. اگر جایی هم مشکلی، چیزی پیش بیاید، سریع مثل اسپایدرمن می‌پرند وسط و ترتیب مشکل را می‌دهند.

مثلا همین دیروز چهارتا جوان رفتند سد لفور و قایق‌سواری کردند، کل سیستم حساس شد و هرچی زنگ‌خطر بود صداش درآمد. حتی علی‌مطهری هم نصفه‌شبی از خواب بیدار شد و تا یک توپیت نکرد، آرام نگرفت. علی‌مطهری گفت: «فقط دادستان ما زنده‌ران نباید پاسخ‌گو باشد، بلکه وزارت نیرو و سازمان میراث فرهنگی هم باید پاسخ‌گو باشند که چرا چهارتا دختر و پسر زیرآبی رفتند روی آب!»

می‌بینید؟ واقعا احمدی‌نژاد اشتباه می‌کرد که می‌گفت آیا مشکل جوانان ما همین چهارتا دانه موی سرشان است؟

مشکل مملکت بیشتر از این حرف‌هاست و موی سراسر بدن را دربر می‌گیرد!

خلاصه، سوفیا!

به نظر من وزارت نیرو برای نداشتن برق و آب در روستاها و مناطق زلزله‌زده و سیل‌زده نباید پاسخ‌گو باشد، باید پاسخ بدهد چرا جوان‌ها رفته‌اند ش‌ا!

میراث فرهنگی برای ازبین‌رفتن میراث فرهنگی نباید پاسخ‌گو باشد، باید پاسخ بدهد جوان‌ها چرا رفته‌اند ش‌ا!



وزارت ارتباطات هم باید پاسخ بدهد چرا جوان‌ها توانستند عکس از قایق‌سواری، آپلود کنند توی اینستاگرامشان؟

وزارت راه هم باید پاسخ بدهد چرا جوان‌ها توانستند از راه رد شوند و برسند سد لفور و بروند ش‌ا!

وزارت نفت و پتروشیمی هم باید پاسخ بدهد چرا بنزین‌را ریخته توی تاک ماشین جوانان تا خودشان را برسانند به ش‌ا؟

وزارت آموزش‌وپرورش هم باید پاسخ بدهد چرا مشق کم داده که جوانان زود تعطیل بشوند و بروند ش‌ا!

وزارت بهداشت هم باید پاسخ بدهد چرا جوانان ما آن‌قدر زنده می‌مانند که بروند سد ش‌ا کنند؟ و باعث این‌همه دردرس شوند.

سوفیا... مشکل مملکت ما واقعا زیرآبی‌رفتن مدیران نیست! روآبی‌رفتن جوانان است.

اتفاق

حراج کلاس درس فلسطینی



● گاردین؛ وزارت دفاع اسرائیل قصد دارد لوازم دو کلاس درس پیش‌ساخته اهدایی اتحادیه اروپا را در حراج به فروش برساند. این دو کلاس درس پیش‌ساخته از سوی اتحادیه اروپا به مدرسه‌های فلسطینی اهدا شده است.

این کلاس‌های درس که در اکتبر گذشته صادره شدند، برای ۴۹ دانش‌آموزی است که در مقطع اول تا ششم در شمال کرانه باختری اشغال‌شده تحصیل می‌کردند. اتحادیه اروپا مقامات اسرائیلی را محکوم کرد و از آنها خواست در ساختارها و رفتارهای خود بازنگری کنند. فلسطینی‌ها در کرانه غربی خودمختاری محدودی دارند و اسرائیل کنترل کاملی را بر اکثر نقاط این منطقه دارد. بیش از ۴۰۰ هزار اسرائیلی به کرانه باختری رفته‌اند و در شهرک‌سازی‌های زمین‌های اشغال‌شده از فلسطینیان زندگی می‌کنند. نخست‌وزیر، بنیامین نتانیاهو، متعهد شده است این شهرک‌ها را تأسیس کند و به فعالیتش ادامه می‌دهد.

شترت روزنامه

یکشنبه « ۱۹ خرداد ۱۳۹۸ » ۵ شوال ۱۴۴۰ ۹ ژوئن ۲۰۱۹
سال شانزدهم • شماره ۳۴۴۵ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۴ • اذان مغرب ۲۰:۴۰ • اذان صبح فردا ۴:۰۲ • طلوع آفتاب ۵:۴۸

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

سیلوانو ملو



دور دنیا

هراس، حمله و ضدحمله در سریال «چرنوبیل»

مینی‌سریال تلویزیونی که شبکه HBO درباره فاجعه هسته‌ای چرنوبیل ساخته، بازتاب گسترده‌ای در محافل سیاسی و فرهنگی جهان و از جمله ایران داشته و البته حوزه رسانه‌های بین‌المللی را به موضوع‌گیری و حمله و ضدحمله واداشته است. یکی از تازه‌ترین این موارد، تولید سریالی داستانی در پاسخ به شبکه آمریکایی در شبکه تلویزیونی دولتی روسیه است که پای جاسوس‌های سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا را به ماجرا باز کرده است. مجله آمریکایی فوربس روز جمعه یادداشتی با عنوان «چرا چرنوبیل HBO این‌قدر از جنبه هسته‌ای غلط است» منتشر کرده است. در ابتدای این مقاله مفصل به قلم مایکل شلنبرگر اشاره شده که روزنامه‌نگاران از زمان شروع پخش این سریال درباره فاجعه هسته‌ای سال ۱۹۸۶ در اوکراین آن را به‌خاطر صحت اطلاعاتی که داده است، تحسین کرده‌اند و اینکه سازنده دستش را در جاهایی باز گذاشته است تا به میل خود جزئیاتی را تغییر دهد، نادیده گرفته‌اند. نویسنده به یادداشتی در روزنامه نیویورکتایمز اشاره کرده و به نقل از آن نوشته است: «اولین نکته درباره مینی‌سریال «چرنوبیل» شبکه HBO این است که بخش‌های بزرگی از آن ساختگی است. اما مسئله دوم و مهم‌تر این است که این نکته واقعا اهمیت ندارد».



نویسنده نیویورکتایمز به این نکته اشاره کرده که برخلاف گزارش‌های بالینی به جای اینکه قربانیان تشعشع پوشیده در خون نشان داده شوند، ظاهری سالم دارند اما این شبکه «یک حقیقت بنیادی را دربارۀ ماقع درست نشان داده و آن، اینکه در ماجرای چرنوبیل بیشتر دروغ‌ها، فریب و یک سیستم سیاسی فاسد مطرح است تا اینکه انرژی هسته‌ای ذاتا خوب است یا بد». فوربس به نقل از کریگ مارین، سازنده این سریال نوشته است «درس چرنوبیل این نیست که انرژی هسته‌ای مدرن خطرناک است. درسش این است که دروغ، تفرعن و سرکوب منتقدان خطرناک است». با این حال نویسنده فوربس نوشته است که بعد از دیدن پنج اپیزود این مینی‌سریال به این نتیجه رسیده که میلیون‌ها تماشاگر آن در نهایت به وحشت از فناوری می‌رسند. وی از یک نویسنده ویتنی‌فیر نقل کرده است که بعد از تماشای اولین اپیزود این سریال، خودش، شوهر و پدرش وحشت‌زده به جست‌وجوگر گوگل هجوم برده‌اند تا حقیقت

عبدالرحمن نجل‌رحیم مغزپژوه



هفته گذشته در یادداشتی این احتمال را مطرح کردم که شاید قتل همسر در حمام از سوی یکی از دولتمردان با تحصیلات عالی و حسن شهرت در دارایی استعداد و هوش ریاضی فوق‌العاده، نتیجه یک عارضه مغزی شناخته‌شده در افراد پابه‌سن‌گذاشته باشد. از بعضی از واکنش‌های روشن‌فکرانه دریافتم اشاره به این امکان در نوشتار من، گویا به طور تلویحی، ظن طرفداری از اعمال خشونت و از کارنامه سیاسی متهم به قتل را در اذهانی بیدار کرده است. دوم اینکه گویا با تأکید بر احتمال نقص بیولوژیکی در مغز منم، عوامل محیطی و اجتماعی در بروز این جنایت احتمالی نادیده انگاشته شده است. سوم اینکه طرح این موضوعات بیولوژیک گویا محیط فکری را مدیکالیزه و بیولوژیزه می‌کند و در شرایط موجود جامعه می‌تواند خطرناک باشد. چهارم اینکه توضیح علت احتمالی ارتکاب جرم، خود می‌تواند نوعی توجیه آن نیز باشد. در ضمن رد همه اکتسابات ضمنی مذکور بر متن، فکر می‌کنم علت اصلی این سوءتفاهم‌ها از آنجا شروع می‌شود که بعضی از صاحبان اندیشه ما بر اساس تاریخ فلسفه علم در غرب، اصرار دارند نقش تن و بیولوژی و در واقع مغز را از رفتار اجتماعی و سیاسی بزدانند. البته این سنت فکری از ایده فلسفی وارداتی غرب آمده که خود نتیجه فجایع در جنگ جهانی از سوی نظام سرمایه‌داری حاکم به بهانه برداشت‌های دل‌خواسته از بیولوژی انسان بوده است. تاریخ علم در غرب با این انتقاد اساسی روبه‌روست که روش دکارتی متداول تجزیه علوم به شاخه‌های از هم بیگانه موجب از دسترس عوام خارج‌کردن نتایج آگاهاننده علوم و در عوض بهره‌برداری سیاسی قدرت‌ها از آن برای تثبیت خود شده است. نمونه این فروگاهندگی در بیولوژی را در کتاب پرفروش «زن خودخواه» از سوی ریچارد داوکینز (۱۹۷۶) می‌توان سراغ گرفت که در ایران هم ترجمه شده است. این کتاب با استفاده ناپا از استعاره زن خودخواه برای توضیح تکامل بیولوژیکی، چنان تصویری ارائه می‌دهد که گویا در میدان زندگی، برنده اصلی، زن رنگ و باهوشی است که از کالبد همه موجودات روی زمین، استفاده ابزاری می‌کند تا

مغز اجتماعی-۶۸

رهایی از یقین در علم، در جست‌وجوی بصیرت تاریخی و معنا

خودخواهانۀ به حیات خود تا بی‌نهایت ادامه دهد. البته از پیش معلوم است استفاده از این استعاره در نظام سرمایه‌داری خریدار داشته باشد. این در حالی است که بیولوژی نوین پس از آزمایش و خطای بسیار، دریافتۀ است زن‌ها به‌تنهایی نمی‌توانند کاره‌ای در تحول حیات باشند، بلکه در کلیت بدن جانداران در تبادلات با محیط است که معنا پیدا می‌کنند. لی وینز و لی ووتین که از قضا هر دو اسم کوچکشان ریچارد است، در کتاب ارزشمند خود، زیست‌شناس دیاکتیکی (۱۹۸۵)، علم بیولوژی تقلیل‌گرا و فروکاهندۀ دکارتی در غرب را به طور اساسی نقد می‌کنند. بدیهی است در جو حاکم این کتاب که منتقد پوزیتیویسم، یقین‌گرایی علمی و تاریخ علم از جمله بیولوژی تقلیل‌گرا یا فروکاهندۀ است، پژوه ک‌گسترده‌ای پیدا نکند و در سطح دانشگاهی بماند، زیرا با روش جدایی و بیگانگی رشته‌های علوم از یکدیگر و جدایی و بیگانگی علم به‌ویژه بیولوژی از مردم، سر‌ناسازگاری دارد. اما بد نیست بدانید نویسندگان کتاب مذکور استادان دانشگاه معروف هاروارد هستند که در ایالت ماساچوست آمریکا قرار دارد؛ یعنی همان جایی که ام‌آی‌تی، دانشگاه معروف دیگر آمریکا است که آقای دکتر پیچمن هم در آنجا تحصیل کرده. اما ام‌آی‌تی در پرورش ریاضی‌دان و مهندس خبره است و فارغ‌التحصیلان آن اغلب خود را تافته جدابافته و نابغه دهر می‌دانند چون به‌غلط چنین ترویج می‌شود که گویا ریاضی، علم یقین و نشانه عقل ناب است؛ همان خصیصه‌ای که یکی از شاگردان دکتر نجفی پس از خبردارشدن از واقعه غیرمترقبه اتهام قتل درباره او روایت کرده است. البته شاید اگر دکتر نجفی در ام‌آی‌تی می‌ماند و تحت حمایت و تیمارداری مرسوم از بیگانگان علم‌زده یقین‌پندار در پشت حصار امن دانشگاهی قرار می‌گرفت، هرگز فرصت پیدا نمی‌کرد دست به خشونت بزند و بر اقدامی عجیب و باورنکردنی زن جوان دوشمار را بشکند. اما بیولوژی ام‌روز می‌گوید ریاضی مثل هر تفکر انتزاعی دیگر حاصل بخشی از کار مغزی پویا و همیشه در حال تغییر و در تعامل سازنده با مدارهای دیگری از مغز است. در این میان، بخش قدیمی میانی مغز تنظیم‌گر عواطف و رفتار اجتماعی است که بیشتر در ارتباط با بدن و محیط (طبیعی- اجتماعی- فرهنگی) قرار دارد. شناخت و آگاهی از بیولوژی تکاملی شاید بتواند از غرور بیجا و یقین‌پنداری علمی پیشگیری کند و تا حدی به خودشناسی و دیگرشناسی‌مان کمک کند و مخاطرات

جنایت اقلیمی علیه بشریت-۲

دنیا در دست بدترین کلاهبرداران اقلیمی

بود که او در ماه ژانویه گذشته در جریان توفان‌های برف و یخبندان در بسیاری از نقاط کشور منتشر کرد. دیدگاه‌های او عمدتاً تحت تأثیر سرمایه‌داری همچون کارل آیکان، سرمایه‌گذار از نیویورک و صاحب پالایشگاه‌های نفت و هارولد هم، میلیارد نفت و گاز که هر دو ترامپ را برای حذف قوانین در صنعت تولید انرژی تحت فشار می‌گذارند، است. آیکان، دختر ترامپ، تلاش رسانه‌ای فراوانی انجام داد تا او را از ترک قرارداد پاریس در سال ۲۰۱۷ منع کند. اما با مغلوب‌شدن از سوی مقاماتی مانند پُتن، پرویت، جف شینز وزیر سابق دادگستری و دانیل مک‌گی، مشاور سابق کاخ سفید مدارک ناچیزی دال بر این موجودند که ایوانکا در برابر روش‌های پدرش مقاومتی نشان داده باشد. مشاوران رئیس‌جمهور بی‌توجهی او را تشدید می‌کنند. در جریان ملاقات هشت کشور عضو شورای شمالگان در ماه جاری، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه، با ابراز اینکه گرمایش این منطقه و ذوب‌شدن یخ‌ها امکان دستیابی به ذرات نفت، گاز، اورانیوم، طلا، ماهی و کنای‌های نادر در دست‌نخورده را بیشتر می‌کند، همتایان خود را به بهت و هراس انداخت. نیکلاس برنز که در دوران جورج دبلیو بوش به عنوان نماینده آمریکا در تاتسو خدمت کرده بود، می‌گوید: «این از هنجارترین پیام‌هایی است که کسی می‌تواند ابراز کند». مقامات رسمی از شورای امنیت تحت مدیریت جان بولتون، برای ترمیم تغییر اقلیم شده بوده و فرنس‌های مربوط به گرمایش جهانی را از سخنرانی‌ها و ابراز نظرات رسمی خود حذف کنند.

بهترین دوستان



آنان پس از سه سال همدیگر را در اردوگاهی در کنگو پیدا کردند. آنان که در سودان همسایه بودند، حالا درحالی‌که فکر نمی‌کردند هرگز همدیگر را ببینند، دوباره توانستند با هم همسایه بشوند. آنها از خوشحالی دیدار با یکدیگر و صحبت‌کردن دوباره با یکدیگر می‌گویند. آنها اکنون می‌توانند با



محمد درویش

با وجود این، هدف منتخبان سیاسی در دولت ترامپ فقط تغییر متدولوژی ارزیابی اقلیمی که از اجماع علمی عمومی برخوردار است، نیست؛ بلکه با ایجاد پنلی جدید، می‌کوشند کل نتایج بررسی‌ها را زیر سؤال ببرند. این تلاش اکنون از جانب ویلیام هپِر، یک فیزیک‌دان ۷۹ساله، رهبری می‌شود که سابقه کار در‌خور توجهی در دانشگاه پرینستون داشته، اما در سال‌های اخیر با حملاتش به دانش تغییر اقلیم ساخته دست انسان و دفاع از مزایای دی‌اکسیدکربن-گاز در حد خجالت‌آوری- به شهرت رسیده است. به گفته هپِر که در شورای امنیت ملی به عنوان معاون دستیار در امور فناوری‌های نوظهور خدمت می‌کند، «پلید جلوه‌دادن دی‌اکسیدکربن مانند پلید جلوه‌دادن یهودیان بیثوا تحت حکومت هیتلر است». پنل پیشنهادی او از جانب جان بولتون، مشاور امنیتی رئیس‌جمهور، که هپِر را به شورای امنیت ملی آورده است، پشتیبانی می‌شود. هپِر و بولتون هر دو از ذی‌نفعان اربت و ربکا مرسر، میلیارد در دست راستی و دخترش هستند؛ کسانی که تلاش کرده‌اند دانش اقلیمی را کم‌ازار جلوه دهند. خانواده مرسر مابغلی به یک گروه لابی‌گر قوی وابسته به بولتون پیش از ورود او به دولت و به گروهی با رهبری هپِر پرداخته‌اند.

تجربه دیگران

بهترین دوستان

روز جهانی بهترین دوست توسط شبکه‌های اطلاع‌رسانی پناهندگان همراه با انتشار ویدئوهایی از دوستان خوب در شرایط سخت مهاجرت و پناهندگی و آوارگی بود. در یکی از این ویدئوها دو دوست نوجوان در یکی از بزرگ‌ترین اردوگاه‌های پناهندگی روهینگایی‌ها مشغول پختن شیرینی خاصی هستند. آنها سالیان سال است با هم دوست هستند و حالا در نانوائی‌شان خاجاهایی درست می‌کنند که مشتریان برای خریدشان صف می‌بندند. روزانه بیش از ۴۰۰ تا ۶۰۰ نفر از این دسر هندی یا شیرینی نیالی با قیمت پنج تاکا (حدود ۰۰۶ دلار) فروخته می‌شود. در کل این اردوگاه مغازه‌های کوچکی همچنن نانوائی‌هایی وجود دارد و روهینگایی‌های زنده‌مانده از کشتار جمعی مذهبی با تمام مشکلات سعی می‌کنند زندگی خود را بازسازی کنند.

یکی دیگر از ویدئوها درباره دو زن سودانی است با نام «جوبس» که داستان‌های متفاوتی دارند.